

مفهوم شناسی فقر از منظر نهج البلاغه

حمزه امیری صدر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

چکیده

بدون تردید مسئله فقر یکی از مهم ترین دغدغه ها در جوامع بشری است که در همه ای دوره ها وجود داشته اما هیچ گاه بطور کامل رفع نشده و از معضل های اصلی هر جامعه ای است... بشر همواره در تلاش برای از بین بردن فقر و ایجاد یک زندگی مناسب برای همه افراد و جوامع بوده و به همین خاطر همواره تلاش، و راهکارهای متعددی برای مبارزه با فقر انجام داده است. مسئله فقر در همه ای زمان ها وجود داشته و دارد. جامعه اسلامی ما نیز از این مورد مستثنی نیست، و بسیاری از مردم با فقر دست و پنجه نرم می کنند؛ از همین رو در این تحقیق به بیان مفهوم فقر و شناخت گونه و اقسام آن با بهره گیری از نهج البلاغه پرداخته و بطور تفصیل بیان شده که بکارگیری آن منجر به شناخت بهتر فقر در جامعه و رفع آن می شود. مسئله ای فقر یکی از مهم ترین مسائل مربوط به هر جامعه ای است که وجود یا عدم آن نقش و تاثیر بسزایی در وضع روحی، معنوی، اقتصادی، فرهنگی و... آحاد مردم دارد. روش در تهیه ای این تحقیق به صورت - توصیفی تحلیلی بوده و در آن از آیات، روایات و حکمت های نهج البلاغه نیز استفاده شده است و به بررسی مفهوم فقر با تکیه بر نهج البلاغه پرداخته شده است؛ اگر جامعه بتواند این معضل را رفع کند در حقیقت سد راه منشأ بروز مسائل دیگر نیز شده است. همانطور که امام علی «ع» فقر را مرگ بزرگ در جامعه معرفی می کند اهمیت آن مشخص می شود. با فهم و درک مفاهیم و اقسام فقر، عوامل، و راهکارهای رفع آن شخص می تواند از این معضل خود را برهاند و فقر مورد مدح در اسلام را بداند و آگاهانه آن را انتخاب

مفهوم شناسی فقر از منظر نهج البلاغه

^۱ دانش پژوه سطح ۱ حوزه علمیه.

کند و از فقری که مذموم واقع شده دوری کند. در دین مبین اسلام به مسئله فقر، رسیدگی به فقرا و رفع آن تاکید فراوان شده از جمله این که خداوند افراد توانگر را موظف به حمایت از فقرا با پرداخت صدقه، زکات و خمس کرده است. مفهوم فقر دارای معنای وسیع و گسترده ای است و در معانی متعدد بکار رفته است. به همین دلیل در این مقاله که با رویکرد تحلیلی و کتابخانه ای گرد آوری شده در صدد پاسخ به این سوال است که مفهوم فقر از منظر نهج البلاغه چیست؟

کلیدواژگان: فقر، مفهوم شناسی، نهج البلاغه.

مقدمه

بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مساله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز انحرافات می‌گردد. سازمان ملل متحد در توصیف فقر چنین بیان داشته است که: فقر در شکل‌های مختلف از قبیل کمبود درآمد برای معیشت پایدار، گرسنگی و سوء تغذیه، بیماری و مرگ‌ومیر ناشی از آن، بی‌خانمانی، ناامنی، محرومیت و تبعیض اجتماعی نمود پیدا می‌کند. این پدیده همچنین خود را به شکل عدم توانایی برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و مدنی نشان می‌دهد.

از نظر بانک جهانی نیز فقر، محرومیت از رفاه است. این نهاد فقر را چنین تعریف می‌کند: «فقر گرسنگی، فقر نداشتن سرپناه و لباس، بیمار بودن و درمان نشدن، بی‌سواد بودن و مدرسه نرفتن است.» بانک جهانی همچنین تأکید می‌کند برای فقرا در فقر زیستن چیزی فراتر از اینهاست. چراکه فقرا اغلب بسیار آسیب‌پذیرند و در معرض انواع خطرات و بی‌عدالتی‌ها قرار دارند که خارج از اراده آنهاست. آنها همچنین از سوی نهادهای دولتی و اجتماعی و حتی جامعه به شدت مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و از این طریق صدا و قدرت خود را در این نهادها از دست می‌دهند. فقر موجب ناامیدی می‌شود و ناامیدی خود موجب بی‌دینی و الحاد می‌گردد. امیر مومنان (ع) به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: فرزندم از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش، و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹). دین، به هیچ وجه فقر را بر نمی‌تابد و با انواع دستورات سعی در ریشه‌کنی فقر دارد. از سوئی افراد را

تشویق به تلاش معاش و تولید و کسب ثروت می نماید و از سوی دیگر متمکنان را به پرداخت وجوه شرعی مثل زکوات و خمس و انواع احسان ها مثل انفاق و نذورات و وقف ها و صدقات و کمک به ایتام و مستمندان و در راه ماندگان و زندانیان می نماید تا در کاهش فقر نقش آفرین باشد زیرا باور دارد که فقر، علاوه بر درد و رنجی که به فقیر حاکم می کند او را در موقعیت اجتماعی هم تنزل می دهد.

هر جا که مردان و زنان محکوم به فقر شدید باشند، حقوق بشر نقض می شود؛ کلام فقیر شنیده نمی شود و مقام او شناخته نمی گردد؛ هر کس فقیر باشد از مقام و موقعیتی برخوردار نیست و کوچک و خوار شمرده می شود؛ عامل بسیاری از فسادهای اداری و دزدی، خودفروشی، شیوع گناهان کبیره و... فقر است. همچنین فقر و نابسامانی های اقتصادی سرچشمه از هم گسیختگی نظام اجتماعی می شود و امنیت جامعه با شورش ها و اعتصابات و نافرمانی های مدنی، آسیب می بیند. با توجه به همه این معضلات که ریشه در فقر دارد، همکاری همه نهادهای مدنی و دینی برای کاهش و ریشه کنی فقر از جامعه به ویژه در قرن جدید شمسوی ضروری است؛ و حال که فقر، دست کم، به صورت مشروط می تواند بر شیوع انحرافات و کج تابی ها و گناهان و فسادها تأثیر داشته باشد، پس باید تلاش کرد از طریق سازوکارهای گوناگون چه اقدامات دولت ها و چه فرهنگ سازان و دینداران، فقر را به عقب راند تا از انحرافات کاسته شود. فقر یکی از اصلی ترین علل فشارها و تهدیدات اجتماعی برای جدا کردن یک ملت از حاکمیت و فرهنگ خود است و این زمانی رخ می دهد که ثروت در یک کشور بین شهروندان آن با عدالت توزیع نشده باشد (اکسوی و هوکمن ۴، ۲۰۱۰). فقر معضلات اجتماعی و اقتصادی مختلفی به همراه دارد، چرا که این پدیده نمادی از نبود توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملت ها را تهدید می کند.. اسلام با پدیده فقر بسیار مخالف است و تعبیرهای زیادی نیز در روایات و ادعیه ها در این خصوص وارد شده اما تنها فقر ممدوح در اسلام فقر در برابر خدا است، یعنی انسان خود را در برابر خدا فقیر بداند و احتیاجات خود را

از او بخواهد، به غیر او دل نبندد و پیوسته تسلیم باشد زیرا این نوع فقیر قانع است و شاکر نعمت های است که خداوند به او داده است و موجب درجه او می شود اما فقری که مذمت شده نیز فقر در امور دنیوی فرد است که به کفران نعمت، یاد بردن خدا و ناسپاسی در مقابل او می شود و به تدریج دین خود را از دست می دهد و رو به کفر می آورد؛ فقری مایه مذمت و نکوهش است که باعث شود آدمی دست به گناه بزند و برای رفع نیاز خود و خانواده اش به سراغ دروغ و دزدی برود. در این صورت فقر یک آزمایش خطرناک می باشد. ان شاء الله که خداوند متعال همه ای مسلمین را از این خطر مهلک حفظ بفرماید.

پیشینه

مسئله فقر و رفع آن در جامعه از مسائلی است که از دیر باز مورد توجه پژوهشگران و محققان بوده است و کتب و مقالات متعددی در این باره تألیف شده است که به چند مورد که تناسب با این تحقیق دارند اشاره می کنیم:

۱. مقاله ای راهکارهای تربیتی فقرزدایی در نهج البلاغه «شمخی، مینا. کریموند، امان اله. کهنگی، فاطمه ۱۳۹۸ ص ۸۱ تا ۱۰۰». نتیجه گیری که از این تحقیق بدست می آید این است که: ۱. فقر یکی از منفورترین جلوه های فردی و اجتماعی معرفی شده و با روشی تربیتی و ارائه ای راهکارهای مؤثر و راهگشا، به مقابله با آن پرداخته شده است. ۲. این پژوهش بارویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که امام علی (ع) در نهج البلاغه، برای مقابله با فقر، چه گروه هایی را خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی، چه راهکارهای تربیتی برای برونرفت از فقر ارائه کرده اند؟ ۳. برای فقرزدایی و رفع آن در جامعه چه کار باید کرد؟

۲. مقاله ای فقر از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه «بیگله، صغری. مرادی، تکتم. تقریبی، صدیقه. حسینی، زهرا. مقدم براتی، حوریه. ۱۳۸۸/۰۲/۱۲». در این تحقیق نیز نویسنده برای فقر ستیزی و رفع سلطه این معضل از جامعه باید اول بررسی کنیم که این مسئله چگونه بوجود

می آید و چه عواملی موجب پیدایش این معضل می شود؟ این مسئله چه اثراتی در زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه می گذارد؟ اصولاً نظر اسلام در رابطه با فقر چیست؟ و چه راهکارهایی می توان برای پیشگیری از فقر ارائه داد؟

۳. مجله مفهوم فقر از دیدگاه دین و دانش نوین و پیامدها و شیوه های رویارویی با آن «طباطبایی، سیدمحمود ۱۳۷۹». در این تحقیق نیز نویسنده تعریف کلی از مفهوم فقر کرده و به آثار و پیامدهای فقر در جامعه و راه های مقابله با آن پرداخته است.

۴. مقاله ای بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات ائمه اطهار (عسکری، محمد مهدی، غفورزاده، حسین ۱۳۹۳). مقاله حاضر پدیده فقر و اقسام آن را در اسلام بر اساس یک روش تحلیلی - توصیفی و با استمداد از منابع تفسیری و فقهی مورد بررسی قرار داده است و به شناخت اقسام و گونه های فقر پرداخته است.

در مقالات و کتب فوق نویسندگان اکتفا به تعریف اجمالی از مفهوم فقر کرده و به تعریف اصطلاحی آن بسنده کرده اند؛ و بیشتر به بحث از پیامدها، آثار و عوامل فقر و راه های مقابله با آن پرداخته اند. اما در این تحقیق مفهوم فقر و گونه های آن در نهج البلاغه از جهت لغوی، اصطلاحی، عرفی، شرعی، عرفانی، اخلاقی و... بطور تفصیل بیان شده که شناخت نوع فقر را برای خواننده آسان کرده است و فقر مورد نظر در اسلام را بیان کرده و فقر مورد مدح و ذم آن را تمیز داده است که تفاوت آن با سایر تحقیق ها روشن می شود.

مفهوم شناسی

مفهوم فقر در معانی متعدد و مختلفی استعمال شده است و در قرآن، روایات، خصوصاً نهج البلاغه از آن به تعابیر مختلف یاد شده است در کتب لغت نیز فقر و فقیر دارای معنای و اقسام متعدد است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. فرهنگ المحيط

فقر آن است که انسان محتاج باشد مانند کم بود آهن در خون بدن و فقیر کسی است که ندارد آنچه را که کفایت کند او و اهل و عیالش را بدلیل نداری. و در مقابل غنی کسی است که دارای ثروت، املاک و پول زیاد است. (فهری، سید ابوالحسن، فرهنگ المحيط، ص ۵۳۲).

۲. کتاب العین

فقر در اصل از فقره گرفته شده و فقار یعنی شکاف و کسی که نزد او شکافی است، کما اینکه اگر به کسی گفتند فلانی فقیر است یعنی پشت او شکسته شده. و زمانی که گویند خداوند او را غنی کند یعنی وجوه فقرا را از او بردارد. (فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، ج ۵، ص ۴۲۶).

۳. کتاب الماء

فقر در چند وزن استعمال می‌شود فقاره یعنی آنچه متصل کند استخوان های پشت را به بازو و جمع آن فقر است. فقیر از فقر است و بمعنای کسی است که در شدت فراوان است در حالیکه شایستگی زندگی بهتری را دارد. (ازدی، عبدالله ابن محمد، الماء، ج ۳، ص ۱۰۰۳).

۴. لسان العرب

فقر متضاد غنی است؛ مقدار در فقیر بودن آن است که شخص نداشته باشد از مال آنچه که او و عیالش را کفایت کند. به این شخص فقیر می‌گویند و به جمع آنها فقرا، فقیری کسی است که در نهایت سختی زندگی می‌کند. (ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۶۰).

خلاصه اینکه کلمه فقر در لغت دارای چند وجه است. گاهی فقره و بمعنای حفره، گاهی فقَر و بمعنای مهره، گاه بر فقاره بمعنای استخوان پشت. فقر نیز بمعنای شکسته، گاه فقره و بمعنای شکاف، فقر بمعنای تهیدستی، گاه افقر و بمعنای مشقت و سختی بکار می رود.

تفاوت فقیر و مسکین

در میان مفسران گفتگو است که آیا فقیر و مسکین، مفهوم واحدی دارند یا اینکه دو مفهوم مخالف دارند؟ غالب مفسران و فقها احتمال دوم را پذیرفته اند، ولی در میان طرفداران این عقیده، نیز در تفسیر این دو کلمه، گفتگوهای زیادی است، اما آنچه نزدیکتر به نظر می رسد این است که فقیر به معنی کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد، هر چند مشغول کسب و کاری باشد و هرگز از کسی سؤال نکند، اما مسکین کسی است که نیازش شدیدتر است و دستش از کار کوتاه است، و به همین جهت از این و آن سؤال می کند. شاهد این موضوع، نخست ریشه لغت مسکین است که از ماده سکون گرفته شده، گویا چنین کسی بر اثر شدت فقر، ساکن و زمین گیر شده است. موارد استعمال این دو کلمه در قرآن معنی فوق را تایید می کند. در روایتی که محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل کرده می خوانیم که از آن حضرت درباره فقیر و مسکین سؤال کردند، فرمود: (الفقیر الذی لا یستل و المسکین الذی هو اجهد منه الذی یستل). (کلینی، الکافی: ۱۶/۵۰۱/۳) (فقیر کسی است که سؤال نمی کند، و مسکین حالش از او سخت تر است).

فقر در اصطلاح

الف) در اصطلاح فقها

یکی از موارد مصرف زکات واجب و مستحب در اسلام فقرا و مساکین هستند. از این رو فقها نسبت به تعریف و شناخت این افراد اهتمام خویش را بکار بسته اند. محقق حلی می

گوید: فقرا کسانی هستند که به اندازه هزینه سالانه خود دارایی ندارند و میگویند: «فقیر و مسکین کسی است که دارایی او از مؤونه سالیانه خویش و اهل و عیالش کمتر است». (تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۶). متأخران امامیه نیز در این رابطه با افزودن قید عدم غنا در تعریف فقیر اصطلاحی، فقر را چنین شناسانده اند محقق سبزواری می گوید: حدی که شامل فقیر و مسکین می شود عدم غنا است که با تحقق آن، فرد مس تحقق زکات می شود. بنابراین قول مشهور فقر: (بمعنای نداشتن خرجی سال بقدر کفایت خود و عیالش است). (جواهر الکلام ج ۱۵ ص ۳۰۴).

ب) در اصطلاح عرفا

فقر در نظر عرفا به این معنی است که سالک مال و ملک و دارایی خود را در راه خداوند ایثار کند و از هرگونه گرایش به دنیا و لذت های این جهانی خود را برکنار نماید. دوری از نعمت های این جهان و چشم بستن بر لذات و خوشی های مادی باعث می شود که ارتباط روح با عالم جسم و طبیعت قطع شود و روح بتواند از اسارت تن رها گردد و به نقطه کمال که قرب حق تعالی است واصل شود؛ چنان که هجویری می گوید: (فقیر آن نیست که دستش از متاع و زاد بود، خالی فقیر، آن بود که طبعش از مراد خالی بود). در اصطلاح اهل تصوف و عرفان فقر عین نیازمندی است، نیازمندی به حق و حقیقت. (دزفولیان، کاظم، فقر و کفر در عرفان، ص ۱۸۵).

ج) در اصطلاح جامعه شناسان

از نظر ژان لاین فقر به معنای تهی دستی و نیازمندی مادی نیست، بلکه (۱) فقر به معنای فقدان قدرت و وابستگی تعریف می شود، یعنی فردی که برای دسترسی به مایحتاج خود قدرت کافی را نداشته و در مناسبات اجتماعی به غیر وابستگی شدید دارد فقیر است، و در تمام جهان پراکنده هستند، جایی که لاین آن را جهان چهارم می نامند. فقر ناشی از بی منزلتی اجتماعی است، فقر ناشی از قدرت اجتماعی بازیگران آن است، برخی از گروه های اجتماعی

قدرت کافی برای دستیابی به نیازهایشان ندارند و اینان محکوم به فقر هستند. (لابن، ژان، جامعه شناسی فقر، ص ۱۵).

فقر در قرآن

برای بررسی مفهوم فقر در قرآن کریم میتوان از این آیه که در مورد مستحقین زکات است، استمداد جست. فقها و مفسران ذیل این آیه مسئله فقر را از نظر مفهوم و حدود آن مورد توجه قرار داده اند و در مقام بیان تفاوت فقیر و مسکین در آیه به بحث پرداخته اند زکات فقط برای این‌ها باید مصرف شود: فقیران، درماندگان، متصدیان جمع آوری و پخش زکات، جذب دل‌ها به اسلام، آزادی بردگان، ادای قرض بدهکاران، در راه مانده‌ها و در راه خدا.

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ). (توبه، ۶۰).

این هشت راه مصرف زکات، از طرف خدا واجب شده است و با ایرادگیری‌های منافق‌ها تغییر نمی‌کند؛ چون خدا دانای کاردست است. برای شناختن موضع اسلام نسبت به فقر، معتبرترین مدرک همان آیاتی است که در قرآن مورد بحث قرار گرفته است. قرآن کریم برای فقر، واژه‌هایی مانند فقر، فقیر، فاقره، مسکین، مسکنة، ضعیف و مس تضعف، را به کار برده است.

فقر در نهج البلاغه

واژه فقر در نهج البلاغه نیز مانند قرآن در معانی و مصادیق مختلف به کار رفته است؛ در اینجا از باب نمونه به سخنی از امیر بیان در نهج البلاغه اشاره می‌کنیم: امام علی (ع) در نهج البلاغه تعریضیابی از فقر بیان کرده اند و می‌فرماید: غنا و فقر آن‌گاه آشکار می‌شود

که اعمال بر خدا انسان عرضه شود. (الْغِنَى وَالْفَقْرُ بَعْدَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ). (مکارم شیرازی، ناصر. پیام امیرالمومنین) ع./ (نهج البلاغه، حکمت، ۴۵۲)

حقیقت غنا بی نیازی و حقیقت فقر نیازمندی است ولی می دانیم که این دو عنوان گاه جنبه مادی دارد و گاه جنبه معنوی. جنبه مادی آن نیز شاخه‌هایی دارد: غنا از نظر مال و ثروت، غنا از نظر مقام و جاه و جلال و غنا از نظر علوم و دانش‌های مادی. تمام این انواع غنای مادی، زودگذر و زوال‌پذیر و ناپایدار است. شخص فقیر به حسب ظاهر و به تصور توده مردم دارای نقطه ضعفی است، چرا که دست او از مال دنیا ته است؛ اما هرگاه عفت و خویشتن‌داری داشته باشد، چشم به مال مردم ندوزد، از طریق حرام به دنبال کسب مال نگردد و در مقابل اغنیا سر تعظیم فرود نیاورد، این حالت خویشتن‌داری که در عرف عرب عفت نامیده می‌شود زینت او می‌گردد و نقطه ضعف ظاهری او را می‌پوشاند: حضرت در حکمت دیگری فرماید: قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): اَلْمَنِيَّةُ وَ اَلدَّيْنِيَّةُ، وَ اَلتَّقَلُّلُ وَ اَلتَّوَسُّلُ؛ وَ مَنْ لَمْ يُعْطَ قَاعِدًا، لَمْ يُعْطَ قَائِمًا؛ وَ اَلدَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ، فَاِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرْ، وَ اِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ. (نهج البلاغه. حکمت ۳۹۶)

فرمود: مرگ، آری. خواری و پستی، نه. به اندک ساختن و دست به سوی این و آن دراز نکردن. آن کس که اگر بنشیند، چیزی به دستش نیاید، اگر هم بایستد چیزی ندهندش. روزگار، دو روز است، روزی که به زیان توست و روزی که به سود تو است. روزی که به سود توست، سرمست مشو و روزی که به زیان توست، شکیبایی ورز.

توسل به معنای دست به دامن دیگران زدن می‌باشد. روشن است که اگر انسان در زندگی قانع باشد هرگز نیاز ندارد که سر در پیش هر کس خم کند، تملق بگوید، تعریف و تمجید بی‌جا کند و عزت و کرامت خود را پایمال سازد. ولی اگر قناعت به کنار رفت و انسان زندگی پرزرق و برق را برای خود انتخاب نمود، اداره کردن چنین زندگی‌ای غالباً با عزت و سربلندی میسر نیست؛ یا باید آلوده به انواع گناهان شود و از طرق مشروع و نامشروع کسب درآمد کند و یا سر در پیش این و آن خم کند اهمیت قناعت تا آن اندازه است که

رسول خدا (صلی الله علیه و آله فرمود: (خيار امتی القانع وشرار امتی الطامع). (متقی هندی، کنز العمال : ۷۰۹۵) (نیکان امت من قناعت کاران اند و بدان آن طمع کاران).

حکمت وجود فقر و غنی در میان بندگان

انفاق ابزاری برای امتحان انسان هاست، از این رو خداوند می فرماید: «از آنچه خدا به شما روزی کرده، انفاق کنید، کافران به مؤمنان می گویند: آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را سیر می کرد؟». این همان منطق عوامانه افراد بخیل است، که می گویند: اگر فلانی فقیر است، و یا اگر ما غنی هستیم، حکمت خداوند است. غافل از این که: جهان، میدان امتحان است، و خداوند یکی را با تنگدستی، و دیگری را با غنا و ثروت، امتحان می کند که آیا، به هنگام فقر، مناعت طبع دارد؟ و یا به هنگام غنا انفاق می کند؟ امام علی (علیه السلام) در یکی دیگر از حکمت های نهج البلاغه می فرماید: (از کسانی مباش که به هنگام بی نیازی مغرور و فریفته دنیا می شوند و به هنگام فقر مأیوس و سست می گردند).

«إِنْ اسْتَغْنَى بَطِرَ وَ، وَإِنْ افْتَقَرَ قَطِبَ وَ وَهَنَ». (نهج البلاغه. حکمت ۱۵۰)

این حالت افراد کم ظرفیت است که به هنگام غنی و بی نیازی همه چیز حتی خدا و خویشان را به فراموشی می سپارند و مال و ثروت و مقام، تمام وجودشان را پر می کند.

نتیجه گیری

در نهج البلاغه به صراحت وظیفه فقیر را قبل از هر چیز صبرمیداند. فقیر می بایست عفت و حیاء خود را نگهدارد و سفره فقر خود را بر همه بر ملا نسازد و در آخرین روز نیز مزادین عمل قابل قیاس با اغنیاء نیست. اگر در برابر این امتحان صبور باشد و از آن سربلند بیرون آید بدون اینکه ب کفر. حسادت. دزدی. و دیگر صفات رذیله مبتلا شود در فردای قیامت بدون حساب به بهشت داخل می شود امام صادق (ع) می فرماید: (گروهی از مومنان در قیامت سر از قبر بیرون

می آورند و یکسره تادروازه بهشت می روند از آنها می پرسند شما چه کسانی هستید که می‌خواهید بی حساب وارد بهشت شوید؟ می‌گویند فقرا هستیم به ما چیزی نداده‌اند که حساب بکشیم سپس خداوند می‌فرماید راست می‌گویند وارد بهشت شوید. (ابن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲ ص ۲۶۴)

که این نوع فقر ممدوح در اسلام است که همان ساده زیستی به دور از تجملات است.

اما اگر فقر منجر ب ناسپاسی از خالق شود یا باعث دزدی و ایجاد دیگر رذایل شود بدون شک مورد نظر اسلام نیست و طبق کلام امیر المومنین باعث کفر و عاقبت به شری او می‌شود. ان شاء الله که خداوند همه‌ای ما را در این امتحان سربلند گرداند. ومن الله توفیق

تقدیر و سپاس

امام سجّاد (ع) فرمود: خداوند در روز قیامت به بنده اش می‌فرماید:
(رَبُّكَ يَا رَبِّ: فَيَقُولُ: لَمْ تَشْكُرْ لِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ أَشْكُرْكُمْ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ لِلنَّاسِ).
(کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی ج ۲ ص ۹۹).

آیا از فلانی تشکر نمودی؟ او عرض می‌کند: پروردگارا، بلکه تو را تشکر نمودم. خداوند می‌فرماید: چون از او سپاسگزاری نمودی، از من هم سپاسگزاری نمودهای. شکر گزارترین شما نسبت به خدا، شکر گزارترین شما نسبت به مردم است.

دلسوزی، تلاش و کوشش اساتید بزرگوار در تعلیم و تربیت و انتقال معلومات و تجربیات ارزشمند در کنار برقراری رابطه صمیمی و دوستانه با طلاب و ایجاد فضائی دلنشین برای کسب علم و دانش و درک شرایط طلبه‌ها قابل تقدیر و ستایش است. اینجانب بر خود وظیفه میدانم در کسوت شاگردی از زحمات و خدمات ارزشمند اساتید گرانقدر تقدیر و تشکر نمایم.

از خداوند متعال برایتان سلامتی، موفقیت و همواره یاد دادن را مسئلت دارم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵.
۴. ازدی، عبدالله. کتاب المءاء. ناشر موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی. تهران ۱۳۸۷
۵. الحسینی الخطیب، سید عبدالزهراء. مصادر نهج البلاغه، ناشر: دار الزهراء. ۱۳۷۰.
۶. دزفولیان، کاظم، فقر و کفر در ادبیات عرفانی، ناشر دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۰.
۷. زمانی، مصطفی، نهج البلاغه کلمات قصار، فاطمه الزهراء، قم، ۱۳۸۰.
۸. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، ناشر دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹م.
۹. شمخی، مینا، راهکارهای تربیتی فقرزدایی در نهج البلاغه، تهران، ۱۳۹۵.
۱۰. شیخاوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات و مسایل جامعه‌ی، نشر مرندیز، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ناشر موسسه دارالهجرة، قم، بی تا.
۱۲. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. لابن، ژان، جامعه‌شناسی فقر، ترجمه جمشید بهنام، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ناشر دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح ابن ابی حدید، مکتبه ایت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمومنین (ع)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و پنجاه درس زندگی، ناشر نسل جوان، قم، ۱۳۹۳.
۱۸. میرزایی کران، محدثه، بررسی فقر و راه‌هایی مقابله با آن در نهج البلاغه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ۱۴۰۱.